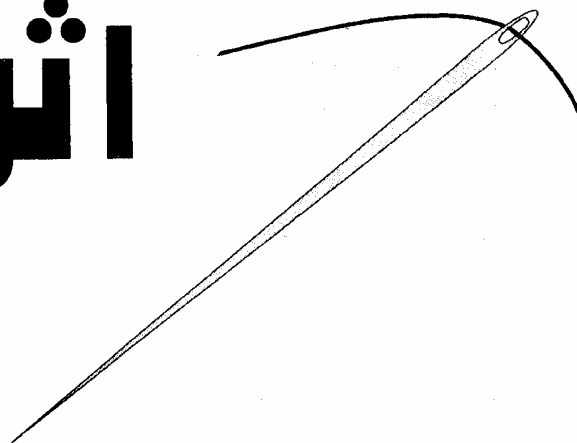


ترجمه: دکتر محمد شریفی
واحد درد درمانی ایران

اثر سوزن



در سالهای ۱۹۵۰، محققین زیادی به طور جداگانه از یکدیگر، کشف کرده بودند که فروبردن سوزن از طریق پوست، بدون تزریق ماده بیحس کننده و یا فقط تزریق نرمال سالین، اغلب سبب تسکین درد قابل توجهی در دردهای مایوفاشیال در سیستم عضلانی اسکلتی (MUSCULOSKELETAL SYSTEM) می‌گردند. خانم TRAVELL و آقای RINZLER، در یک نوشته کلاسیک که در سال ۱۹۵۲ منتشر گردید، مطالعات خود را که در طی سالها انجام شده بود، شرح دادند. نتیجه مطالعات این بود که فقط فروبردن سوزن بدون هیچگونه دارویی در نواحی TRIGGER POINTS، یعنی فقط سوزن را در نقطه TP فرو ببریم و بعد آنرا خارج

اثرات قابل توجه روش‌هایی که برای تسکین دردهای مزمن به کار می‌روند و شامل تحریکات شدید ولی کوتاه مدت حسی می‌باشد سبب تحقیقات وسیعی گردیده و محققین زیادی را به این سؤال کشانده که آیا بلوک با مواد بیحس کننده موضعی سبب تسکین درد در دردهای مایوفاشیال و کمردردها می‌گردد یا اصولاً فروبردن سوزن در نواحی TRIGGER POINTS یا TENDER POINTS سبب تسکین درد می‌شود. در نهایت شکفتی باید گفت که تأثیرات بی‌دردی فوق، ناشی از فروبردن سوزن یا NEEDLING می‌باشد. آقای LEWIT در سال ۱۹۷۹ این پدیده را اثر سوزن یا "NEEDLE EFFECT" نامیده‌اند.

نمائیم، باعث تسکین درد قابل توجهی در دردهای مایوفاشیال (MYOFASCIAL PAIN) می‌گردد. به همین گونه، WILLIAMS, SOLA در سال ۱۹۵۶ کشف کردند که تزریق نرمال سالین در نواحی TRIGGER POINTS یا TP در تسکین درد بسیار مؤثر می‌باشد. در سال ۱۹۵۸، KIBLER گزارش داد که مواد بیحس کننده مختلف در عمل اثرات مشابهی را در تسکین درد در نواحی TENDER POINTS و TRIGGER POINTS داشته و این اثرات به مقدار ماده تزریق شده و یا غلظت آن بستگی زیادی ندارد.

مشاهدات فوق باعث گردید که FROST و همکاران در سال ۱۹۸۰ به یک مطالعه دوسویه کور بپردازند. در این بررسی، تاثیرات ماده بیحسی موضعی بنام میپی‌واکائین و نرمال سالین بر روی TRIGGER POINT های مایوفاشیال بررسی گردید. این گروه با تعجب دریافتند، بیمارانی که نرمال سالین دریافت کرده بودند تسکین درد بیشتری را نسبت به گروه میپی‌واکائین گزارش نمودند (۸۰٪ کسانی که تزریق نرمال سالین روی آنها انجام شده بود و ۵۲٪ کسانی که میپی‌واکائین روی آنها تزریق شده بود). علاوه بر اینکه زمان متوسط این تسکین درد در مورد سالین ۳ ساعت و در مورد میپی‌واکائین فقط نیم ساعت بود. بطور واضح مشخص گردید که تسکین درد در موارد فوق بیشتر بعلت فروبردن سوزن در TP بوده است. سالین مؤثرتر بوده، زیرا بنا به نظر این محققین، سبب تحریکات بافتی بیشتری

می‌گردد، چون این تحریک بافتی مهمترین عامل درمان می‌باشد، و چون میپی‌واکائین تحریک بافتی توسط سوزن را بلوکه می‌نماید، بنابراین اثر درمانی آن کمتر خواهد بود.

نتایج کلیه تحقیقات فوق، تائیدکننده مشاهدات LEWIT در مورد اثر سوزن "NEEDLE EFFECT" بعنوان فاکتور تعیین کننده در تسکین دردهای مایوفاشیال می‌باشد. تأثیرات درمان، طبق مشاهدات LEWIT، به نوع ماده تزریق شده وابستگی زیادی نداشته ولی در عوض به مقدار دردی که در موقع فروبردن سوزن در ناحیه TP ایجاد می‌شود و نیز به دقت ما در فروبردن سوزن در نقطه حداکثر درد (SITE OF MAXIMAL TENDERNESS) بستگی خواهد داشت.

بطور خلاصه باید گفت، سوزن باید در نقطه حداکثر درد فرو رود و گرچه این کار برای بسیاری از بیماران مثل شکنجه می‌باشد، درد ناگهانی و کوتاه مدتی که بدین وسیله ایجاد می‌گردد سبب تسکین درد شگفت‌انگیزی خواهد گردید و برطبق آمار LEWIT در ۸/۸۶٪ از بیماران تسکین درد خواهیم داشت و تسکین درد برای چندین ماه یا حتی بطور دائم در نزدیک به ۵۰٪ بیماران گزارش شده است.

منبع:

MELZACK, R., in: Text book of Pain (WALL, P.D. & MELZACK, R.), 3rd. ed., Churchill Livingstone, Great Britain, pp: 1214, 1994.